بنّای عارفی که فرمانده شد
مروری کوتاه به زندگی سردار شهید عبدالحسین برونسی
۲۲

برای تمدن‌شدن علم بهتر است یا اخلاق؟!
۲۳

هر دو جناح باید برای اشکالات نظام پاسخگو باشند
نشست واکاوی عملکرد رسانه‌های داخلی در تنش‌های اجتماعی اخیر برگزار شد
۲۴

همشهری فرهنگ

دوشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۱ ■ ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ ■ سال سی‌ام ■ شماره ۸۶۱۴

در نشست خبری سی‌ونهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران مطرح شد

بچه‌های فیلم کوتاه تحت فشار هستند

جشنواره

نشست خبری سی‌ونهمین جشنواره فیلم کوتاه تهران به دبیری مهدی آذرپندار صبح دیروز برگزار شد.

به‌گزارش همشهری، این نشست در حالی برگزار شد که طی روزهای گذشته برخی از عوامل فیلم‌های پذیرفته‌شده در جشنواره، در فضای مجازی، از شرکت نکردن در این رویداد سینمایی خبر داده بودند. طبیعی بود که مهم‌ترین سؤال خبرنگاران حاضر در این نشست نیز درباره همین انصراف‌ها و شرکت نکردن‌ها باشد و مهدی آذرپندار هم بعد از بیان مقدمه‌ای خیلی زود به این مسائل پرداخت.

برگزاری جشنواره عادی‌سازی اوضاع نیست

مهدی آذرپندار، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران و دبیر سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، در آغاز این نشست با تأکید بر اینکه فضا این روزها کمی سوءتفاهم‌برانگیز است، از خبرنگاران درخواست کرد که در انعکاس این نشست دقت بیشتری به خرج دهند و در ادامه گفت: ما در این دوره وعده جشنواره‌ای با تنوع و گستردگی ژانرها را دادیم و سیاست ما این بود که به این آثار بهای بیشتری بدهیم و گفتیم هیأت انتخاب خواهیم داشت و به رأی آنها احترام می‌گذاریم و تلاش کردیم که سلایق مختلف در جشنواره حضور داشته باشند. سعی کردیم در این دوره با یکی کردن هیأت انتخاب و داوری در بخش‌های مختلف برخی حساسیت‌ها را کمتر کنیم. البته تعداد فیلم‌های پذیرفته‌شده کمتر شد چون از جهت فرمی و تکنیکی و انطباق با تعاریف سختگیری داشتیم. ۲۳ شهریور لیست فیلم‌ها را اعلام کردیم و یکی از دوره‌هایی بود که فرایند انتخاب فیلم‌ها کم‌حاشیه و اعتراضات به آن بسیار کمتر از ادوار گذشته بود. این روال داشت با نظم پیش می‌رفت و همکاران من برنامه‌ریزی‌های دقیقی کرده بودند و قرار بود اتفاقات جدیدی رخ بدهد، اما اتفاقات اخیر که افتاد، از جایی به بعد دوستان به نتایجی رسیدند که شاید برگزاری جشنواره در شرایط فعلی کار درستی نباشد. بحث از اینجا شروع شد که عده‌ای تبلیغات ما برای برگزاری را نمادی از عادی‌سازی اوضاع پنداشتند و فضاسازی‌هایی شروع شد. قبل از اینکه این انصراف‌ها شروع شود، فضا ملتهب‌تر بود، اما خبر انصراف کسی به ما نرسیده بود. از هفته گذشته این تلقی را مبنی بر اینکه برگزاری جشنواره به‌معنای عادی‌سازی امور است، در اذهان ایجاد کردند. همیشه می‌گفتم جشنواره فیلم کوتاه رویدادی مستقل است، اما نمی‌دانم چه اتفاقی افتاد که گفتند این رویداد حاکمیتی است!

شرایط سختی برای فیلم دیدن است

وی در واکنش به حاشیه‌های پیش آمده و انصراف برخی از حضور در این رویداد متذکر شد: حتما شرایط غیرعادی و سختی برای تماشای فیلم و تبلیغ فیلم‌ها داریم. ما هم اینطور فکر می‌کنیم. من جمهوری اسلامی را حرم می‌دانم و معتقدم اگر این حرم از دست برود، حرم‌های دیگر هم از دست خواهد رفت. من هم در این ایام ناراحتم. هر طرف این طیف بایستید، می‌بینید اتفاقات، خوشایند نیست. از زاویه نگرانی برای جمهوری اسلامی هم ببینید، متوجه می‌شوید شرایط، خوب نیست. در همه شئون، حدی از این رخدادها رخ داده، اما خیلی چیزها تعطیل نشده است. اگر قرار باشد جشنواره تحت‌الشعاع این اتفاقات، تعطیل شود، ننگ بزرگی است که من زیر بارش نمی‌روم. تعطیلی این جشنواره، اتفاق مناسبی نیست، گرفتن این تریبون محدود از جوانان خوب نیست، چون اگر باور داریم جوانان فیلم ساخته‌اند و آثارشان بازتاب جامعه است، پس نمایش این فیلم‌ها تناقضی با اتفاقات اخیر ندارد.

امکان تعویق جشنواره وجود نداشت

آذرپندار درباره موضوع تعویق جشنواره و برگزاری آن در زمان دیگری که شرایط جامعه بهتر باشد هم گفت: وقتی صحبت از تعویق می‌شود، باید بپرسیم تعویق تا کی؟ این سؤالی است که من و آقای خزاعی در جلسات مختلف داشتیم. این سؤال است. هرگونه تعویقی منجر به برگزار نشدن جشنواره حداقل تا یک ماه آینده می‌شود. بعد به جام جهانی می‌رسیم؛ بعد جشنواره سینماحقیقت را داریم؛ بعد جشنواره فیلم فجر برگزار می‌شود. حقیقت این است که تقویم سینمایی در نیمه دوم سال ترافیک سنگینی دارد. همچنین ما مهمانان خارجی را دعوت کرده‌ایم و در بخش بین‌الملل ۶۰ فیلمساز داریم که منتظر هستند فیلم‌شان برگزیده شود. از ماه‌ها پیش به آنها وعده داده شده که قرار است این رویداد برگزار شود. باید به همه اینها فکر کنیم. تعویق برای برخی یک ایده اما برای ما کوهی از کارهای اجرایی است؛ پس هرگونه تعویقی امکان برگزاری جشنواره تا یک ماه آینده را نمی‌دهد. بیانیه‌هایی برای حذف سیمرغ فیلم کوتاه و مستند داده شده بود، اما با درایت سازمان سینمایی این مسئله رخ نداد. اگر تا ددلاین تعیین‌شده، جشنواره را برگزار نکنیم، ممکن است سیمرغ فیلم کوتاه در جشنواره فجر را هم از دست بدهیم. وی افزود: تمام بحث ما در جلسات با فیلمسازان این بوده که به زمانبندی و اجماع برسیم. آیا کسی پیش‌بینی‌ای از شرایط دارد که اوضاع چه زمانی بهتر می‌شود تا بعدا با حال بهتر فیلم ببینیم؟

فشار روی بچه‌های فیلم کوتاه زیاد است

دبیر سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه در ادامه گفت: انصراف‌ها در شرایطی پیش آمد که ما فیلم‌ها را انتخاب کردیم؛ از این‌رو انصراف‌ها غیرقانونی است. به دوستانی که خواهان انصراف هستند گفتیم لطفا درخواست مکتوب بدهید. وقتی این درخواست‌ها رسید در دبیرخانه تصمیم می‌گیریم؛ تا حالا ۲ فیلم به‌صورت مکتوب درخواست انصراف دادند که یکی تجربی و یکی داستانی است. دو، سه نفر گفتند از داوری انصراف می‌دهند، عده‌ای گفتند از حضور در جشنواره انصراف می‌دهند. رأی اکثریت هنوز با کسانی است که می‌خواهند در جشنواره باشند. هر فیلمی که کنار می‌کشد، غم‌انگیز است به‌ویژه وقتی با آنها صحبت کنید و بدانید در چه شرایطی کنار کشیده‌اند. باید متن انصراف آنها را بخوانید و ببینید در چه شرایط ناراحت‌کننده‌ای کنار کشیده‌اند. فشار روی این بچه‌ها زیاد است. دبیر جشنواره فیلم کوتاه تهران درباره اینکه آیا این انصراف‌ها برای فیلسازان و مدرسان نشست‌های آموزشی تبعاتی دارد یا نه، اینطور جواب داد: تا جایی که من باید بگویم، می‌گویم هیچ تبعاتی نخواهد داشت چون می‌دانم تحت فشار این کار را کردند. خیلی از آنها تهدیدهایی شده‌اند و حس می‌کنند ممکن است آینده فیلمسازی‌شان تحت‌الشعاع قرار بگیرد، گرچه برخی از آنها مستقل تصمیم گرفتند، اما از آنها پرسیدم پس چرا در شرایط ملتهب‌تر این اتفاق رخ نداد؟! به آنها زنگ زده و تهدیدشان کرده بودند؛ مثلا تدوینگری هارد فیلم را نداده و گفته بود اگر انصراف ندهید، هارد را نمی‌دهم. من از رسانه‌هایی که بیشتر به من لطف دارند هم خواهش می‌کنم حتی این بچه‌ها را نقد هم نکنید چون می‌دانم تحت چه شرایطی چنین تصمیمی گرفته‌اند. به من انتقاد کنید، این فیلمسازان در شرایط سخت فیلم ساخته بودند. فیلمسازان دارند فحش می‌خورند و این خیلی تلخ است، اما از آن سو فکر می‌کنم عدم‌برگزاری جشنواره اتفاق تلخ‌تری است.

صحبت نکردن خطرناک است

آذرپندار در پاسخ به این پرسش که آیا در بخش بین‌الملل هم از سوی فیلمسازان خارجی انصرافی بوده یا نه، گفت: ۴ فیلم کوتاه بین‌المللی انصراف دادند. عزیز دلی از ایران با آنها صحبت کرده و سوابق من را یادآوری کرده، اما من به سوابقم افتخار می‌کنم. برخی با این حربه‌ها به جشنواره فشار می‌آورند. ما میزبان جشنواره نیستیم؛ ما مهمان هستیم. ما می‌آییم و می‌رویم و بچه‌های فیلم کوتاه هستند که می‌مانند و برای این جشنواره فیلم می‌سازند. از دوستان میزبان می‌خواهم اگر کسی به لوگوی این جشنواره خون پاشید، از جشنواره دفاع کنید. می‌شود آن تصویر خون پاشیده‌شده به لوگوی جشنواره را پیگیری قانونی کرد، اما ما قائل به گفت‌وگو هستیم. این انصراف‌ها گرچه جدی است، اما تا روز آخر تلاش می‌کنیم دوستان در جشنواره حضور داشته باشند. آن روزی که نتوانیم دور هم جمع شویم و صحبت کنیم روز خطرناکی است. برخی می‌گویند تریبون دادن به فیلمسازان خطرناک است، اما من از صحبت نکردن آنها می‌ترسم، فضای جشنواره قرار نیست امنیتی شود چون برای یکی، دو اتفاقی که قرار است بیفتد نباید کلیت جشنواره را تعطیل کرد. سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از ۲۷ مهر تا ۲ آبان در پردیس ملت برگزار می‌شود.

مکث

شرکت در جشنواره شرمساری ندارد

مهدی آذرپندار، مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران و دبیر سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، در بخش دیگری صحبت‌هایش متذکر شد: معتقدم هیچ فیلمسازی در این ادوار بابت حضور در پیشگاه افکار عمومی متهم نبوده است. ترجیح می‌دهم با بچه‌های فیلم کوتاه به‌صورت یک کل واحد مواجه باشم و نمی‌خواهم من هم به دوقطبی خوب‌ها و بدها دامن بزنم. ما هیچ تقابلی با این بچه‌ها نداریم؛ ما لجبازی نمی‌کنیم. برای تصمیم آنها احترام قائلیم. ما هیچ‌وقت دوستان خود را تهدید نکرده‌ایم و نمی‌کنیم. متأسفم برای کسانی که بچه‌ها را تهدید کردند. به آن کسی که فضا را به دوقطبی با شرف و بی‌شرف تبدیل کرد، تبریک می‌گویم چون موفق شد، اما کاش انتقامش را از من می‌گرفت، نه از جوانان. این جنس فشار در فضای مجازی یا به‌صورت تلفنی، بزدلانه است. مکاتبات بین‌المللی برای برگزار نشدن جشنواره شده و حتی بعضی هموطنان ما گفته‌اند جشنواره از اعتبارات بین‌المللی ساقط شود. آنهایی که این کارها را کرده‌اند، از این فضا نان می‌خورند. فیلم بلند اول‌شان موفق نبوده و حالا برگشته‌اند و لیدر فیلم کوتاه شده‌اند. آدم‌هایی داریم که سریال برای تابستان ۶۰ می‌سازند یا در تمجید از سپاه سریال می‌سازند، اما به فیلمسازان کوتاه فشار می‌آورند. این افراد باید در تنهایی فکر کنند که چه طور شخصیتی دارند. برای این افراد نه وطن مهم است و نه جشنواره فیلم کوتاه. وی درباره کشف حجاب برخی بازیگران و برای مثال مریم بوبانی گفت: ایشان فیلمی در جشنواره ندارند، اما کسانی هستند که فیلمی در جشنواره دارند، ولی ما فیلمی را به خاطر بازیگر تنبیه نمی‌کنیم. اما اینکه بعدا چه دستوری بدهند، باید بگویم در این مسائل تابع سیاست‌های بالادستی هستیم.

شبی برای رسول ملاقلی پور

افتتاح سالن جدید سینمایی به نام کارگردان «سفر به چزابه»

یادبود

مدیران حوزه هنری در روزهای اخیر تصمیم گرفتند با برگزاری مراسمی برای رسول ملاقلی‌پور، سالن سینمایی را به نام این کارگردان افتتاح کنند. سالن تازه تاسیسی که به نام رسول ملاقلی‌پور نام گرفت و بهانه‌ای شد تا سینماگران از خاطرات خود با ملاقلی پور صحبت کنند. در این مراسم همسر و فرزندان زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور و برخی از سینماگران از جمله سیدضیا هاشمی، حبیب والی‌نژاد، منوچهر محمدی، محمدحسین فرحبخش، بهروز افخمی، امیررضا مافی، محمد ساسان، سجاد نوروزی، سیدعلی طباطبایی‌نژاد و... حضور داشتند. پس از رونمایی از تندیس سالن و افتتاح آن، عنوان شد که در راه‌اندازی ساختمان جدید سازمان سینمایی سوره تصمیم گرفته شد که سالن نمایش سینمایی افتتاح و به رسم دیگر سالن‌ها به نام یکی از بزرگان سینمای انقلاب باشد. همچنین حمیدرضا جعفریان رئیس سازمان سینمایی سوره توضیح داد: «امیدوارم سالنی که به نام زنده‌یاد استاد رسول ملاقلی‌پور مزین شده، بیش از پیش باعث ماندگاری نام و یاد ایشان شود. نسل ما رسول ملاقلی‌پور را بیشتر از آثارش می‌شناسد و توفیق هم‌نشینی با ایشان را نداشته، اما تک‌تک آثار او برایمان خاطره ساخته است که می‌تواند چراغ راهی باشد». در ادامه نماهنگی با موضوع مرور کارنامه زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور پخش شد و پس از آن دختر این سینماگر فقید گفت: «با وجود آنکه نزدیک ۱۶ سال از فوت پدرم می‌گذرد، اما یاد ایشان که ستون زندگیمان بود، همیشه با ماست و حضور وی را در هر لحظه کنار خود حس می‌کنیم. از عوامل برگزارکننده این مراسم تشکر می‌کنم و امیدوارم برای تمام کسانی که حق بزرگی بر گردن هنر و سینمای دفاع‌مقدس داشتند و دارند، این اتفاق رخ بدهد.» منوچهر محمدی، تهیه‌کننده سینما که در فیلم سینمایی «میم مثل مادر» با ملاقلی‌پور همکاری کرده، در این مراسم گفت: «یکی از ویژگی‌های رسول یکی بودن قلب و زبانش بود. قصد دارم یک خاطره از ایشان تعریف کنم که شاید درس عبرتی برای مدیران فرهنگی باشد. رسول ملاقلی‌پور جزو نسل اول سینماگران حوزه هنری و کارش را با عکاسی شروع کرده بود، اما به فیلمسازی بسیار علاقه داشت. البته آن زمان کسی در حوزه هنری به او اعتماد نمی‌کرد و امکاناتی از جمله دوربین در اختیارش نمی‌گذاشتند. او خود تعریف می‌کرد که یک شب شیشه انبار تجهیزات حوزه را می‌شکند، دوربین را برمی‌دارد و به جبهه می‌رود.» وی تأکید کرد: «پس از این اتفاق بود که افراد باورشان شد که او فیلمساز است. ناگفته نماند که ما در کل، چند فیلمساز مانند رسول ملاقلی‌پور داریم که به‌صورت غریزی با کار آشنا هستند و سینما و تصویر و تأثیر آن روی مخاطب را می‌شناسند.» سیدضیا هاشمی، تهیه‌کننده سینما هم عنوان کرد: «من، بهروز افخمی و رسول ملاقلی‌پور خاطرات زیاد و عجیبی با یکدیگر داریم. یک خاطره‌ای که از ایشان به یاد دارم این است که آن زمان یک‌سریال از شبکه یک تلویزیون پخش می‌شد که مهدی هاشمی در آن بازی می‌کرد. رسول ملاقلی‌پور که با آن مخالف بود، پس از تماشای سریال با مدیر وقت شبکه یک تماس گرفت و گفت از دفتر آیت‌الله گیلانی تماس می‌گیرد و با ایشان به گونه‌ای صحبت کرد که سریال را تعطیل کند. به یاد دارم در پایان مکالمه‌شان گفت من اگر شما را ببینم با آرپی‌جی می‌زنم توی مخ‌تون! ما از این دست خاطرات زیاد داریم و ایشان به گونه‌ای دلنشین خاطرات را تعریف می‌کرد که همه مجاب و همراه می‌شدند.»

صدور پروانه نمایش برای ۳ کارگردان

پروانه نمایش فیلم‌های «رگ‌های آبی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی جهانگیر کوثری، «رویای کاغذی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی علی عطشانی و «نبودن» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی علی مصفا صادر شد. «رگ‌های آبی» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی جهانگیر کوثری به زندگی فروغ فرخزاد می‌پردازد. باران کوثری و ستاره پسیانی از جمله بازیگران این فیلم هستند. این فیلم نخستین تجربه کارگردانی جهانگیر کوثری است. فیلمنامه «رویای کاغذی» را جابر قاسمعلی براساس ایده‌ای از علی عطشانی نوشته است و کامران تفتی، مینا وحید، زینب (نگار) ملاکی و امیرحسین رضازاده نقش‌های اصلی این فیلم را ایفا کرده‌اند. سومین فیلم علی مصفا با نام «نبودن» (absence) درباره پسری است که بعد از ۵۰ سال برای نوشتن بیوگرافی زندگی پدرش به پراگ سفر می‌کند تا درباره گذشته پدرش در زمان جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی سابق اطلاعاتی به‌دست بیاورد.

معرفی ۵ هزار فعال فرهنگی به تأمین اجتماعی

مسلم کریمی معاون اعضای صندوق اعتباری هنر گفت: در ۶ ماهه ابتدایی سال جاری ۴ هزار و ۹۲۳ نفر از اهالی فرهنگ، هنر، رسانه و فعالان قرآنی به جمع بیمه‌شدگان صندوق اعتباری هنر پیوستند.

وی افزود: صندوق در بخش‌های بیمه تأمین اجتماعی، بیمه درمان تکمیلی، عمر و حادثه، تسهیلات قرض‌الحسنه، طرح تکریم و کمک مستمری خدمات خود را به اعضای تحت پوشش ارائه می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین خدماتی که صندوق به جامعه فرهنگ و هنر ارائه می‌دهد خدمات بیمه‌ای در قالب بیمه تأمین اجتماعی و بیمه درمان تکمیلی است که با توجه به اهمیت این ۲ حوزه بخش اعظم بودجه صندوق نیز به این ۲ مقوله اختصاص داده شده است.

۱۸ سینما و ۱۲۹ سالن تازه

محمدرضا فرجی، مدیرکل توسعه فناوری، سینمایی، سمعی و بصری با ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده در این حوزه گفت: در طول سال‌های اخیر سعی شده که سالن‌های نمایشی فیلم را مخصوصا در شهرهای محروم، کم‌برخوردار و شهرهایی که سالن سینما نداشتند و از این رسانه فرهنگی محروم بودند، افزایش دهیم. وی سالن‌سازی را از اهداف مهم حوزه کاری خود عنوان و تصریح کرد: در طول یک سال گذشته حدود ۱۸ سینما و ۱۰۶ سالن سینما به ناوگان سینمایی کشور افزوده شده که حدود ۴۰ درصد در این حوزه افزایش داشتیم و این سالن‌ها بیشتر در مناطقی ساخته شده که نیاز فرهنگی آن مناطق بوده است.

فرجی با توضیح اینکه سیاست کلی سازمان سینمایی افزایش کمی و کیفی سالن‌های سینمایی در مناطق مختلف کشور است، گفت: ما سعی کردیم در طول سال با هماهنگی با سینما شهر، تجهیزات سمعی و بصری سینماهای کشور را فراهم کنیم و کیفیت آن را بالا ببریم، که در این خصوص تجهیزات ۱۵ سینما به روزرسانی شده است.

یادداشت

جمال رهنمایی
روانشناس تحلیلی

سیاه و سفید مثل ابلق

روایت ناتمام آزار جنسی

داستان فیلم «ابلق» لایه‌های اجتماعی تداوم آزار جنسی را زیر ذره‌بین برده است. در این فیلم آزار جنسی تنها یک پدیده جنسیتی و مربوط به میل جنسی نیست. جایگاه اجتماعی، رقابت‌های فردی، فشارهای فرهنگی و اجتماعی منجر به تداوم این پدیده نیز به شکل دقیق‌تری بررسی شده است.

جلال کدخدای نامدار بیغوله‌ای است که در همسایگی برج‌های سر به فلک کشیده یک محله زورآبادی را در تسلط خود دارد. او کارآفرینی است که برای اهالی محل شغل و پول فراهم آورده و به مشکلات ریز و درشت آنها رسیدگی می‌کند. مرد موفق و خوشنام و روزی‌رسان مردم وامانده و بیکار است اما نگاه طماعانه‌ای به زن‌های محله دارد و آهسته آهسته معلوم می‌شود که اغلب زنان محله از این میل ناسالم او آسیب دیده‌اند، اما ماجرای راحله تفاوت دارد. او زیباست، جنم دارد، سر سخت است و به‌دست آوردن او برای جلال ممکن نیست و تلاش او برای این کامیابی برایش بسیار گران تمام می‌شود اما در نهایت راحله زیر فشارهای سنگین اهالی محل واقعیت را وارونه بیان می‌کند تا مردم از نان خوردن نیفتند و زن جلال بتواند به زندگی خود ادامه دهد و همسرش بالای چوبه‌دار نرود. او همه دردهای این آزار سنگین را یک تنه به دوش می‌گیرد تا آرامش محله و نان سفره‌های کوچک‌های همسایه‌های او به خطر نیفتد. تقلیل دادن پدیده آزار جنسی به‌معنای برقراری رابطه تحمیلی کلامی، جسمی و احساسی با فردی که تمایل به برقراری این رابطه را ندارد، به نیازهای جنسی و فیزیولوژیک، نادیده گرفتن بخش‌های دیگر این پدیده است. از آنجا که رابطه جنسی یکی از انواع رابطه میان انسان‌هاست، اعمال قدرت و کسب برتری و تسلط هم در آن نقش آفرینی می‌کند و اگر تعادل میان دو طرف برقرار نباشد این رابطه به سمت رابطه‌ای نامتعادل که در آن آزاررسان آزاردیده وجود دارند حرکت می‌کند و از مشخصات روابط سالم علاوه بر حفظ حدود شرعی و قانونی که در آن دو طرف احساس رضایت و خشنودی داشته باشند دور می‌شود. اهمیت این احساس رضایت و خشنودی به حدی است که فقدان آن می‌تواند بخش‌های جسمانی این رابطه را به‌طور کلی تحت‌تأثیر قرار داده و حتی آن را به رابطه‌ای دردناک و غیرقابل‌تحمل تبدیل کند. در اینگونه روابط ناسالم یک طرف با اعمال قدرت خواسته خودش را تأمین می‌کند و علاوه بر میل جسمانی، میل روانی خویش به کسب برتری و اعمال قدرت را نیز ارضا می‌نماید در حالی که طرف مقابل به لحاظ روانی در سمت شکست خورده و مغلوب قرار می‌گیرد و نه تنها از لحاظ روانی آسیب می‌بیند، بلکه از لحاظ جسمانی نیز مغلوب و ارضا نشده باقی می‌ماند.

جلال در موضع قدرت است، او توزیع‌کننده کار و پول میان اهالی محل است در حالی که علی که برادر زن جلال است در همه ابعاد زندگی یک مغلوب است، نه می‌تواند زندگی مناسب برای زنش تأمین کند و نه حتی رابطه مناسبی به لحاظ احترام و توجه با همسرش و دخترش دارد. او یک بدهکار فراری نیز هست. در مسابقه کبوترپرانی هم یک شکست خورده است و در اینجا جلال به‌خودش حق داده که همسر او را نیز فریب دهد و حتی از نظر خودش حق دارد به حریم برادر زن خود تعدی نماید. او به‌دلیل همین قدرتمندی در خانواده خودش هم مرزهای دیگران را رعایت نمی‌کند و افراد خانواده‌اش با وجود اطلاع از تبهکاری‌های او جرأت ایستادگی در برابرش را ندارند. در صحنه‌های پایانی فیلم، جلال در حالی که کاردی را در دهان دارد، مشغول پوست کندن گوسفندی است که برای سلامتی فرزندش قربانی کرده و با خشونتی زیادتر از حد لازم، مشغول پوست کندن قربانی است.

کاری که با زنان و مردان محل نیز با همین خشونت انجام داده است. صحنه شبانگاهی حرکت راحله برای گفتن به‌اصطلاح حقیقت برای اهل محل نیز تمثیل زیبایی در خود دارد. او در میان نگاه‌ها و التماس‌های اهل محل به یک محل خلوت که تمثیل تنهایی او نیز هست می‌رود و جلال را از اتهام تجاوز تبرئه می‌کند؛ اتهامی که همه می‌دانند درست است و حتی علی هم آن را باور نمی‌کند. تأثیرات اجتماعی وقوع آزار جنسی بسیار پیچیده بوده و این تأثیرات کم اهمیت‌تر از نقش دو طرف آزار دیده و آزار رسان نیستند. واقعیتی که داستان فیلم برای بیانش بسیار خوب بوده، اما بازیگران فیلم از پس از ایفای نقش آن به خوبی برنیامده‌اند.